



در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی، خط حزب الله به این پرسش پاسخ می‌دهد: که راه ماندگاری انقلاب اسلامی چیست؟

پرچمدار

جبهه برای شناسایی خود، پرچمی را در جلوی سپاه علم می‌کرد و دشمن هم همه‌ی سعی‌اش را می‌کرد که در ابتدا، پرچم حریف، که در حقیقت نماد هویتی جبهه‌ی مقابل بود را بر زمین بیفکند. برای همین، نقش "پرچمدار" در نبردها تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز بود. در جنگ‌ها، یکی از مهم‌ترین منصب‌ها، پرچمداری سپاه بود و بنابراین یکی از اهداف اصلی دشمن، به زمین زدن پرچمدار حریف بود، چرا که افتادن پرچم و پرچمدار، نشانه‌ی شکست و از هم‌گسیختگی لشکر محسوب می‌شد. این که روز عاشورا، حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) به جناب ابوالفضل العباس (علیه‌السلام)، تا آخرین لحظه اجازه‌ی جنگیدن را ندادند به همین دلیل بود، چرا که او پرچمدار لشکر حسین (علیه‌السلام) بود. وقتی هم که حضرت عباس (علیه‌السلام)، نزد امام رفت برای گرفتن اجازه‌ی میدان، حضرت به همین جنبه‌ی شخصیتی حضرت عباس اشاره کرده و می‌فرمایند: "یا اخی أنت صاحب لوائی وإنا مَضَيْتَ تَفَرَّقَ عَسْكَرِي"، "ای برادر! تو پرچمدار منی، اگر تو شهید شوی، لشکر من از هم می‌پاشد." ۳

تردید بر من راه یافته است. دیشب بی آنکه کسی جز خدا بداند، شب را به سر آوردم و صبح نزد امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) آمدم و ماجرا را گفتم. به من فرمود: آیا عمار را ملاقات کردی؟ گفتم: نه. فرمود: نزد عمار برو ببین چه می‌گویند و از گفته‌ی او پیروی کن. اینک برای همین مسأله نزد تو آمده‌ام.

جناب عمار در جواب آن مرد گفت: آیا آن صاحب "پرچم سیاه" را که در مقابل من قرار گرفته است (اشاره به پرچم عمروعاص) می‌شناسی؟ من باین شخص در عصر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، در رکاب آن حضرت، سه بار جنگیدم و اینک این چهارمین بار است که با او می‌جنگم و این بار بهتر و نیک‌تر از سه بار قبل نیست؛ بلکه بدتر و زشت‌تر از آن هاست. من در جنگ بدر و احد و حنین، در برابر او جنگیدم... آن روز در عصر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تجمّع ما در مرکز "پرچم‌های رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)" بود ولی تجمّع این قوم (عمروعاص و معاویه و سپاه آن‌ها) در مرکز "پرچم‌های مشرکان".

دوم. در هنگام نبردها و جنگ‌ها، اهمیت پرچم بیشتر است. هر

اول. منقول است میانه‌ی جنگ صفین، که کار به شدت سخت و طاقت‌فرسا شده بود، برای عده‌ای از یاران امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) شبهه پیش آمد که آیا اساسا این جنگ، کار درستی است یا نه. "اسماء بن حکیم" که از یاران حضرت بود و یکی از همراه جناب عمار یاسر، می‌گوید مردی از سپاه حضرت آمد و سراغ عمار را گرفت. جناب عمار خودش را معرفی کرد. آن مرد که خوشحال شده بود، سؤالش را از عمار چنین مطرح کرد: "من هنگامی که از خانه بیرون آمدم، اطمینان داشتم که ما در مسیر حق هستیم و شکی نداشتم که این قوم (معاویه و طرفدارانش) بر باطل و گمراهی هستند. تا شب گذشته، همین عقیده و اطمینان را داشتم؛ ولی دیشب دیدم که آنان گوی ما، در جمله‌های آنان، گواهی به یکتایی و رسالت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌دهد و آنان گوی آن‌ها (معاویه و هوادارانش) نیز گواهی به یکتایی خدا و رسالت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌دهد؛ و بعد از آنان، هم ما نماز می‌خوانیم هم آن‌ها، و کتاب ما یعنی قرآن هم یکی است، دعوت ما یکی است، رسول ما نیز یکی است. از این رو، دیشب شک و



بدرت از قاجار ۳	مطالبه رهبری ۳	گزارش رصدی ۲
ژنرال آمریکایی گفت مردم را نشانه بروید	کسانی که در نیمه راه هستند را جذب کنید	دستاوردهای انقلاب خمینی، غیر قابل انکار است

خون شهید از میان مردم رخت بر نخواهد بست | این شماره تقدیم می‌شود به روح پرفروش شهید علی محمودوند

خاصیت طبیعی شهادت، ایجاد برکت و تداوم و گشایش در حرکت به سمت تعالی و کمال است. اینکه خداوند متعال در قرآن شهید را زنده معرفی می‌کند و در عرف اسلامی و اصطلاح متشرعه به کشته‌ی راه خدا - شهید یعنی شاهد، ناظر و حاضر - این به این معناست که خون شهید ضایع نخواهد شد؛ شخصیت شهید که تبلور همان آرمان‌های او و آرزوهای اوست، از میان مردم رخت بر نخواهد بست؛ این خاصیت شهادت است. آن کسانی که این حقیقت را از بن دندان درک کرده‌اند و تصدیق کرده‌اند، برای آنها کشته شدن در راه خدا به هیچ وجه ضایعه به حساب نمی‌آید؛ بلکه یک افتخار است، یک اقبال بزرگ است؛ آن را می‌خواهند، آن را از خدا می‌طلبند؛ آن را مثل یک حاجت بزرگ، در ذکر و مناجات خودشان با خدا مطرح می‌کنند. ۸۹/۴/۷



چهار منجلابی که خاندان پهلوی کشور را گرفتار آنها کرده بود

اگر انقلاب نمی‌شد...

۱. عقب‌ماندگی



احمد آرامش، وزیر کار و رئیس سازمان برنامه در دوران پهلوی، درباره‌ی وضعیت عقب‌ماندگی ایران در سال‌های پیش از انقلاب چنین گفته بود: "تمام وزارتخانه‌ها و بنگاه‌های تجاری و اقتصادی وابسته به دولت ایران زیر نظر مأموران و نمایندگان مختلف آمریکایی قرار گرفته و آنان در غالب جاهانه تنها به عنوان مشاور و مستشار بلکه به صورت دستور دهنده و کارفرما در زندگی مداخله می‌کنند. اقتصاد کشور به‌وسیله‌ی عوامل و ایادی داخلی و خارجی دولت آمریکا به کلی در هم ریخته و اکنون وضع به شکلی در آمده که طبق اظهار آقای نخست‌وزیر، هم دستگاه اقتصادی دولت در آستانه‌ی ورشکستگی است و هم ملت و ماهر روز نگزیر هستیم که دست تکدی به سوی آمریکا و آمریکائیان دراز کنیم و برای گرداندن چرخ زندگی خود از آنان قرضه و اعتبار بگیریم."

در دوران پهلوی، تمامی عناصر صنعتی، نظامی و اقتصادی ایران با دخالت دولت‌ها، شرکت‌ها و مستشاران غربی به ایران وارد و در قبضه‌ی مدیریت آن‌ها بود به طوری که حکومت پهلوی به عنوان یک قدرت دست‌نشانده و تابع قدرت‌های غربی، به منظور حفظ چنین شرایطی، سعی در عقب‌نگه‌داشتن جامعه می‌کرد، تاجایی که ملتی که روزگاری بر بلندی علم و ادب جهان تکیه زده بود، در دوران قاجار و پهلوی در بی‌سوادی و جهل غوطه‌ور بود، به شکلی که کمتر از نیمی از آن‌ها در سال ۱۳۵۵ سواد خواندن و نوشتن داشتند و ۶۲/۸ درصد مردم طبق آمارهای رسمی بی‌سوادمحروم از آموزش بودند.

۲. وابستگی

رضاخان به عنوان افسر قزاق با کودتای ۱۲۹۹، تهران را اشغال می‌کند و با فشار دولت انگلیس به عنوان نخست‌وزیری احمد شاه قاجار می‌رسد و با تثبیت وفاداری خود به انگلستان در سال ۱۳۰۴، حکومت پهلوی را تأسیس می‌کند. واضح است، چنین حکومتی که تولد خود را مدیون یک قدرت بیگانه است، همواره در صدد است تا منویات و خواسته‌های انگلستان را به عنوان مهم‌ترین عنصر بقای حکومت خود در نظر بگیرد. امری که سستی در آن، موجب خلع رضاخان از قدرت و تبعید او به جزیره‌ی موریس در سال ۱۳۲۰ شد. محمدرضا نیز در حالتی مشابه با پدر خود به قدرت می‌رسد، او به سران متفقین اطمینان می‌دهد که در صورت رسیدن به پادشاهی، متضمن منافع آنان در ایران باشد. خوش خدمتی محمدرضا به آمریکا و انگلیس ضامن بقای حکومت پهلوی می‌شود و در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کودتای آمریکایی-انگلیسی دولت مصدق را سرنگون و شاه فراری را به کشور باز می‌گرداند. امری که موجب وابستگی بیش از پیش حکومت پهلوی به آمریکا و انگلیس می‌شود و گسیل مستشاران

○ شکست تلاش تیم ترامپ

برای فشار بر حزب‌الله

نشریه‌ی آمریکایی سایفر بریف با اشاره به تحریم‌های اخیر آمریکا علیه حزب‌الله لبنان نوشت: یک مقام سابق دولت اوباما که در جریان مبارزات علیه حزب‌الله قرار داشته می‌گوید، تیم ترامپ تاکنون در ایجاد ائتلافی مؤثر برای ایجاد فشار حقیقی بر گروه حزب‌الله لبنان، شکست خورده است. | فارسی

○ هنیه: تحریم شدن از سوی آمریکا مدال افتخاری است بر سینه‌ام

اسماعیل هنیه در واکنش به تصمیم تازه‌ی آمریکا برای قرار دادن نام او در فهرست تروریسم گفت: این تصمیم نشان افتخار است که آن را بر روی سینه‌ی خودم نصب می‌کنم. وی که در تجمع جنبش حماس سخنرانی می‌کرد افزود: قرار گرفتن در صدر یک جنبش مجاهد مانند حماس و بودن در بین ملتی که با مقاومت به دنبال بیرون راندن اشغالگران و پس گرفتن مقدسات خود است، مایه مباهات و افتخار من است. | کیهان

○ اختلاف ایران و آمریکا ستیز بین

امیر یالیسم و حق تعیین سر نوشت بود و بگاه تحلیلی آمریکایی "مینت پرس" نوشت: اختلاف ایران و آمریکا ستیز بین امیر یالیسم و حق تعیین سر نوشت بوده و مبانی اعتقادی این کشور مخالفت صریح با توسعه طلبی نظامی و اقتصادی آمریکا است. | فارسی

○ توصیف رسانه غربی از مداخلات

آمریکایی‌ها در سایر کشورها

پایگاه خبری - تحلیلی اینترسپت نوشت: در واشنگتن دی سی، مدت‌هاست که دشمنی ایرانی‌ها با آمریکا به عنوان یک رویکرد "غیرقابل توضیح و غیرمنطقی" تفسیر می‌شود در حالی که نقش سیا در کودتای ۱۹۵۳ به فراموشی سپرده شده است. این پایگاه در ادامه تصریح می‌کند: اما هنوز حکومت آمریکا از تجربیات گذشته درس نگرفته و دست از تجارت تغییر حکومت‌ها طی دهه‌های پس از انقلاب اسلامی ایران برنداشته است. آمریکا همچنان به سازمانده‌ی کودتاها، ترور رهبران خارجی، سرنگون ساختن دولت‌های منتخب مردم و حمله به کشورهای مستقل ادامه می‌دهد. | العالم

غربی، امتیازات تجاری و نظامی و تصویب قوانینی مانند کاپیتولاسیون در ایران را به همراه دارد. علی‌امینی، نخست‌وزیر شاه در خاطراتش می‌گوید: "شاه دل خوشی از هیچکس نداشت و همیشه خار جی‌ها افرادی را به او تحمیل می‌کردند چون شاه چیزی نبود. رزم‌آرا (رئیس ستاد مشترک ارتش) و بعداً نخست‌وزیر را هم آمریکایی‌ها به او تحمیل کردند."

۳. فساد سیاسی و اخلاقی

چپاول اراضی کشور در دوران رضاخان به اندازه‌ی بود که او علناً بر خی از روستاها و مناطق کشور را غصب کرده بود: «بد نیست بدانید که بعضی از شهرهای این کشور، به حساب سند، در بست متعلق به رضاخان بود. مثلاً شهر فریمان تماماً ملک رضاخان بود. بهترین املاک و زمین‌های این کشور، متعلق به او بود.» ۱۳/۱۱/۲۷ امری که در دوران پس از او نیز توسط خاندان پهلوی ادامه داشت. همچنین حضور خاندان پهلوی در معاملات و درآمدهای کشور امری بدیهی و غیرقابل انکار بود. در سال ۵۶، درآمد کشور از طریق صادرات نفت به ۵۳ میلیارد دلار رسید که درآمد سرانه‌ی کشور را می‌توانست به بیش از ۱۱ هزار دلار در سال برساند، اما بخش عمده‌ی این درآمد به حساب خاندان پهلوی سرازیر می‌شد، این در حالی بود که بر اساس آمار رسمی بانک جهانی ۴۶ درصد مردم ایران در این سال زیر خط فقر قرار داشتند.

۴. حقارت بین‌المللی

حکومت پهلوی آن اندازه ضعیف و بی‌اختیار بود که حتی قدرت حفظ تمامیت ارضی کشور را هم نداشت. منطقه‌ی بحرین که از صدها سال پیش جزو خاک پهنای ایران بود و در سال ۱۳۳۶ به عنوان استان چهاردهم ایران در مجلس صاحب کرسی رأی شده بود، با فشار دولت انگلیس و وادادگی محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۵۰، با اعلام رسمی محمدرضا پهلوی از ایران جدا و کشوری تحت‌الحمایه انگلستان شد. این تحقیر تاجایی بود که کشورهای غربی پس از فرار محمدرضا از ایران، حاضر به پذیرش او نشدند و او مجبور بود دائماً از کشوری به کشور دیگر برود، به طوری که در مدت زمان دوسال به هفت کشور پناه‌برد و در نهایت در مصر از دنیا رفت.

با این توضیحات مختصر، واضح است که ادامه‌ی این راه در کشور، سرنوشتی جز سیاهی و تباهی در پی نداشت، در حقیقت، این امام خمینی و انقلاب اسلامی بود که فقط می‌توانست کشور را از وابستگی و سر خوردگی و منجلاب‌های دوران پهلوی نجات دهد. «امام انقلابی ما کشور را از منجلاب‌ها بیرون کشید؛ به‌وسیله‌ی انقلاب، کشور را از منجلاب‌های متعددی خارج کرد... از منجلاب وابستگی، از منجلاب عقب‌ماندگی، از منجلاب فساد سیاسی، از منجلاب فساد اخلاقی، از منجلاب حقارت بین‌المللی، ما گرفتار این چیزها بودیم.» ۹۵/۳/۱۴

اندیشکده‌ی اسرائیلی بگین سادات:



گزارش
رصدی

دستاورد های انقلاب خمینی، غیر قابل انکار است

اندیشکده‌ی اسرائیلی بگین سادات در مطلبی با عنوان «۳۹ سال بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران» نوشت: "نفوذ تغییراتی که با ورود آیت الله {امام} خمینی در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ شمسی) در ایران به وجود آمد، در حال حاضر غیر قابل انکار است. این تغییر چیزی جز بازسازی هویت، ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای تفکر پیرامون جهان بینی رهبر انقلاب آیت‌الله خمینی نبود." این اندیشکده با اشاره به اینکه جنگ ۸ ساله‌ی عراق علیه ایران، اگر چه موجب از دست رفتن زندگی و اموال بسیاری شد، ولی در عین حال منجر به ساختن مفهوم "اعتماد به نفس" نوشت: "نگاهی به سی و نه سال گذشته نشان دهنده‌ی دستاوردهای حکومت دینی ایران است که این کشور را قادر ساخته تا در برابر امواج ناآرامی‌های داخلی و چالش‌هایی که با نقش خارجی‌ها به وجود آمده و حاکمیت کشور را بعد از انقلاب دستخوش تهدید کرده است، مقابله کرده و بایستد... دیگر دستاوردها بعد از انقلاب حکومت ایران، پیروی از مسیر بنیانگذار جمهوری اسلامی است که تقریباً چهار دهه از فلسفه‌ی تشکیل حکومت آن گذشته است... آیت‌الله خمینی موفق به پیشبرد نفوذ منطقه‌ای ایران با استفاده از گروه‌های نیابتی الهام گرفته از ایران شد، و این دستاورد مهمی برای حکومت ایران بعد از انقلاب بوده است." ●

کسانی که در نیمه راه هستند را جذب کنید

این کسانی که از جماعت مسلمین جدا می‌شوند، از جماعت کشور فاصله می‌گیرند، کوشش کنید اینها را نزدیک کنید، منضم کنید. کسانی که میانه‌ی راه هستند، اینها را به منزل مطلوب برسانید. نگذاریم با رفتار، با عمل، اظهارات، با منش ما کسانی که یک ایمان نیمه‌کاره‌ای دارند، به کلی از ایمان بی‌برند؛ کسانی که نیمه‌مار تباطی با نظام دارند، از نظام منقطع شوند. عکس این عمل کنیم؛ کسانی که در نیمه‌ی راه هستند، اینها را جذب کنیم. مصداق‌های تقوا و شعب تقوا اینهاست. ۹۰/۵/۱۶ اینجوری نیست که شما بیایید افراد ضعیف‌الایمان را از دایره خارج کنید، به بهانه‌ی اینکه می‌خواهیم خالص کنیم؛ نه، شما هر چه می‌توانید، دایره‌ی خلصین را توسعه بدهید؛ کاری کنید که افراد خالصی که می‌توانند جامعه‌ی شما را خالص کنند، در جامعه بیشتر شوند؛ این خوب است. از خودتان شروع کنید؛ دور و بر خودتان، خانواده‌ی خودتان، دوستان خودتان، تشکل خودتان، بیرون از تشکل خودتان، هر چه می‌توانید، در حوزه‌ی نفوذ تشکل خود، برای بالا آوردن میزان خلوص‌های فردی و جمعی تلاش کنید؛ که نتیجه‌ی آن، خلوص روزافزون جامعه‌ی شما خواهد شد. ۸۹/۵/۳۱

دهه‌ی فجر منهای اسلام، یک پول هم ارزش ندارد



ما در تاریخ، واقعا مثل دهه‌ی فجر نداریم. حتی اسلام با آن عظمت، در دهه‌ی فجر برای ما اثر بخشید. آیا غیر از این است؟ اسلامی که نبی اکرم (ﷺ) آورد، در روزگار اموی‌ها و عباسی‌ها به ما اثر بخشید. البته آثار در جهه‌ی دورا به این ملت داد و افراد برجسته و شخصیت‌های ناب و عرفا و علما و زهادی به ندرت پیدا شدند و نتوانستند در آن فضا پروازی بکنند؛ اما عامه و توده‌ی مردم و نیز نظام اجتماعی، از آن برکات خیری ندید. آن برکات،

امروز خودش را نشان می‌دهد. دهه‌ی فجر، جزو رشحات اسلام است. خیال نکنید که دهه‌ی فجر منهای اسلام، چیزی است. دهه‌ی فجر منهای اسلام، یک پول هم ارزش ندارد. دهه‌ی فجر، آن آینه‌ی است که خورشید اسلام در آن درخشید و به ما منعکس شد. اگر این آینه نبود، باز هم مثل همان دوره‌های تاریک و قرون خالیه، بایستی ما می‌نشستیم و اسمی از اسلام می‌آوردیم. با حلوا حلوا گفتن هم که دهان شیرین نمی‌شود! ۶۹/۱۰/۱۱

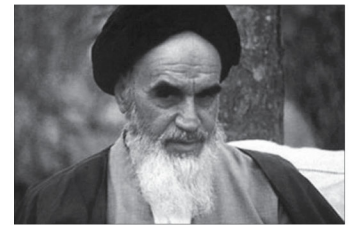
ژنرال آمریکایی گفت

لوله تفنگ‌ها را پایین بیاورید و مردم را بزنید

از خاطرات ژنرال آمریکایی که در روزهای آخر عمر رژیم گذشته برای نجات رژیم به تهران آمده بود، نقل کردند؛ او می‌گوید من ژنرال‌های شاه را جمع کردم و به آنها گفتم که لوله‌های تفنگ‌ها را پایین بیاورید؛ یعنی مسلحین رژیم شاه که با مردم مواجه بودند، خیلی اوقات تیرهای هوایی می‌زدند که مردم را بترسانند، این آقا به ژنرال‌های شاه توصیه می‌کند و می‌گوید لوله‌ی تفنگ‌ها را بیاورید و به مردم بزنید؛ آنها هم اینجادر این میدان انقلاب به این دستور عمل کردند؛ مردم را هدف قرار دادند، عده‌ی زیادی را به شهادت رساندند؛ ولی اثر نکرد، مردم عقب نرفتند، مردم ادامه دادند. بعد یکی از فرماندهان ارتش شاه - ارتشید قره‌باغی - می‌آید پیش هایزر و می‌گوید این دستور نو فایده‌ای نداشت و مردم را نتوانست به عقب براند. هایزر در خاطر آتش می‌نویسد که چقدر اینها تحلیل‌های کودکانه‌ای دارند. یعنی چه؟ یعنی آمی گوید [توقع قره‌باغی این بود که با یک بار مردم را به رگبار بستن قضیه تمام می‌شود؛ نه، باید ادامه پیدا کند، باید هر جا با مردم مواجه می‌شوند، آنها را قتل عام کنند! آمریکا این است؛ آمریکا ۲۵ سال در این کشور حاکمیت مطلق داشته است؛ به ژنرال‌های رژیم شاه این جور دستور می‌دهد؛ در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های امنیتی، در زمینه‌های سیاست خارجی، در ایران حرف حرف آمریکایی‌ها بود. ۹۴/۶/۱۸

۱۳۰ سوم. پرچم اسلام، بعد از چهارده قرن،

بر دوش مردی از تبار حسین (علیه السلام) قرار گرفت و او "پرچمدار" جریانی شد که هم "اسلام" را زنده کرد و هم "ایران" را. در روزگاری که نه تنها اسلام، بلکه اساسا دین مباحودین، جایگاهی در تحولات سیاسی و اجتماعی جهان نداشت و با نام "افیون توده‌ها"، از هر طرف با آن مخالفت می‌شد، و در روزگاری که ایران و ایرانی تحقیر می‌شد تا جایی که آن کارگزار حکومت پهلوی می‌گفت ایرانی‌ها حتی توانایی ساختن لوله‌نگ راهم ندارند، امام خمینی، پرچمدار نهضتی شد که هم اسلام را به جایگاه اصلی خود کشاند، و هم ایران و ایرانی را چنان عزتی داد که امروزه تحلیلگران بین‌المللی اعتراف می‌کنند ایران، ابرقدرت نوظهور منطقه است و برای حل مسائل منطقه، چاره‌ای جز مصالحه با ایران نیست. «در حقیقت امام بزرگوار مادر این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردند، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگاه داشتند: یک پرچم عبارت است از پرچم احیاء اسلام؛ به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتناهی، پرچم دوم، پرچم عزت و سربلندی ایران و ایرانی. این دو تا پرچم برافراشته‌ی به دست قدرتمند امام بزرگوار ماست. ۸۸/۳/۱۴ شاید به دلیل همین نقش پرچمداری ایران در جهان بود که امام خمینی فرموده بود: «اگر اسلام عزیز و جمهوری اسلامی نوپا به انحراف کشیده شود و سیلی بخورد و به شکست منتهی شود، خدای نخواستہ اسلام برای قرن‌ها به طاق نسیان سپرده می‌شود...» (صحیفه‌ی امام خمینی، ج ۱۸، ص ۵) **چهارم.** "مردم، پرچم و پرچمدار"، سه ضلع مثلث اقتدار و پیروزی کشورند، برای همین، دشمن و در رأس آن، «شیطان بزرگ» به شدت عصبانی است: «آمریکا عصبانی است، به شدت عصبانی است. از که عصبانی است؟ فقط از این حقیر که عصبانی نیست، از شما هم عصبانی است؛ از ملت ایران عصبانی است، از حکومت ایران عصبانی است، از انقلاب ایران عصبانی است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه شکست خورده؛ از این حرکت عظیم شکست خورده.» ۹۶/۱۰/۱۹ تا زمانی هم که مردم، زیر پرچم اسلام هستند، به تعبیر امام خمینی (ره)، از هر گزندی در امان اند: "همه زیر پرچم توحید هستند، زیر پرچم اسلام هستند، و با این وضع که زیر پرچم اسلام هستید، آسیب‌پذیر نخواهید بود." راهپیمایی ۲۲ بهمن نیز حضور میلیونی یک ضلع این مثلث است، برای تجدید بیعت با دود ضلع دیگر، یکی بیعت با "پرچم"، که نماد اتحاد و انسجام ایران و ایرانی در برابر هر دشمن بیرونی و درونی است، و دیگری بیعت با "پرچمدار" این نهضت، که اگر او نبوده، سرنوشت انقلاب ایران هم چیزی شبیه انقلاب مصر بود. این انقلاب، به واسطه‌ی این سه مؤلفه، ماندگار خواهد بود باذن الله. ●



این اراده خدا بود که ما را پیروز کرد

شما ملاحظه کردید که در این انقلاب شما همه‌ی قلوبتان برگشت به طرف ملت. و خدای تبارک و تعالی این قلب‌ها را برگرداند. والا یک ارتشی که در طرف

شدند؛ و این موجب پیروزی ملت شد. ملتی که هیچ نداشت؛ و آن طرف همه چیز داشت. این اراده خدا بود که ما را پیروز کرد. و ما باید طوری عمل کنیم که این عنایت الهی محفوظ بماند برای ما. ●

امام خمینی (ره) ۲۸ تیر ۱۳۵۸

تفسیر قرآن

برای ساختن دنیای خود و دیگران

باید مجاهدت کنیم

فَقَالَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۱) خب، [اینکه] خدای متعال برای مجاهدین فضیلت قائل شده است، برای مجاهدت، رتبه قائل شده است، برای همین است. ما مگر چقدر در این دنیا عمر می‌کنیم؟ میلیاردها سال قبل و بعد ما این دنیا عمر دارد، از این میلیاردها [سال]، پنجاه سال، شصت سال، هفتاد سالش نصیب من و شما است؛ در این مدت باید از فرصت استفاده کنیم، خودمان را برای زندگی واقعی‌ای که «أَنَّ السَّادِرَ الْآخِرَةَ لِهِيَ الْحَيَوَانُ» (۲) است، آماده کنیم.

در این فاصله، بعضی‌ها مجاهدت می‌کنند و این مجاهدت، آنها را به مقامات عالی می‌رساند؛ نه فقط آخرت خودشان را درست می‌کنند، دنیای دیگران را هم می‌سازند و تقویت می‌کنند و به وجود می‌آورند. آن وقت این مال مجاهدت است؛ مال شهید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا»، اینها مرده نیستند، «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنَ الْآخِوفِ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (۳) قضیه این جور است؛ این کلام خدا است، مژده‌ی خدا است که می‌گوید اینها زنده‌اند، پیش خدایند، مورد لطف الهی‌اند، مورد رزق الهی‌اند، خرسندند، خوشحالتند؛ به من و شما هم پیغام می‌دهند و می‌گویند که بدانید اگر از این راه بیایید، در این سرمنزل نه غم هست، نه نگرانی؛ نه ترس هست، و نه حزن؛ «الْآخِوفُ عَلَيْهِمْ»؛ راه این است. راه را درست رفتند، صحیح رفتند، درست حرکت کردند. ● ۹۵/۴/۱۵

(۱) سوره مبارکه النساء آیه ۹۵

(۲) سوره مبارکه العنکبوت آیه ۶۴

(۳) سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۶۹ و ۱۷۰



حضور آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم جشن پیروزی انقلاب اسلامی در دهه ۶۰

عید حقیقی مردم ایران

بیست و دوم بهمن، عید حقیقی برای ملت ماست. بیست و دوم بهمن، برای ملت ما در حکم عید فطری است که ملت در آن، از یک دوران روزی سخت خارج شد؛ دورانی که محرومیت از تغذیه‌ی معنوی و مادی را بر ملت ما تحمیل کرده بودند. بیست و دوم بهمن، در حکم عید قربان است؛ زیرا در آن روز و به آن مناسبت بود که ملت ما اسماعیل‌های خودش را قربانی کرد. بیست و دوم بهمن، در حکم عید غدیر است؛ زیرا در آن روز بود که نعمت ولایت، اتمام نعمت و تکمیل نعمت الهی، برای ملت ایران صورت عملی و تحقق خارجی گرفت. ۶۸/۱۱/۴

خانواده ایرانی

هر کدام از زن و مرد وظیفه اختصاصی خود را دارند

من مکرر می‌بینم که خانم‌ها وقتی با هم روبرو می‌شوند، نگرش فمینیستی را نسبت به مسائل زنان رد می‌کنند، اما متأسفانه در عمل، حرف‌ها و گرایش‌ها، همان باد فمینیستی است، که اینها را می‌کشاند. چرا ستیزه‌گری کنیم؟... هر کدام از زن و مرد وظیفه‌ی اختصاصی دارند، زن چه بخواهیم، چه نخواهیم - جنسی است که باید جنبه‌ی لطف و آرامش و رحمت و سکون را در جامعه تأمین کند. بچه‌ی پسر همیشه شیطان‌تر از بچه‌ی دختر است؛ آنهایی که بچه دارند، این را می‌دانند. خدای متعال در این جنس، این گنجینه را گذاشته که هم خود زن و هم خود مرد به آن احتیاج دارند؛ ولی ما بیاییم این گنجینه را از او سلب کنیم و جنبه‌ی ستیزه‌گری مردگرایانه را به او منتقل کنیم، این کار چه لزوم و فایده‌ای دارد و چه افتخاری برای زنان به وجود می‌آید؟ ۸۰/۷/۱۴

حزب الله این است

شما آن نسلی هستید که اگر خوب عمل کنید،

آینده کشور تضمین خواهد شد

جوان‌ها، در هر جا که هستید و در هر قسمتی که کار می‌کنید، هشدار می‌دهد که قدر خودتان را بدانید، حرکت کنید، ناامید نشوید؛ شما هم می‌توانید. شما آن نسلی هستید که اگر خوب عمل کردید، آینده‌ی این کشور را - صد سال، دو صد سال یا بیشتر - تضمین خواهید کرد. همین بیدار شدن، همین حساس بودن، همین انگیزه داشتن، همین ایمان، همین امید، همین تکیه به هدایت الهی و اعتماد به کمک الهی، قواره‌ی اصلی بسیج است؛ این یک فرهنگ است. اگر این طور حرکت کنیم، خدای متعال کمک خواهد کرد. ۸۴/۹/۷

همه‌ی ابزارهای فرهنگی و تبلیغی در طول صد سال یا بیشتر به کار گرفته شد، تا این ملت را به خودش بدبین کنند - یکی از شخصیت‌های سرشناس معروف می‌گفت: ایرانی، یک لولهنک نمی‌تواند بسازد - لولهنک یعنی آفتابه گلی؛ آن زمان‌ها از گل، آفتابه درست می‌کردند. این جور این ملت را تحقیر می‌کردند. این ملت حالا در زمینه‌های زیستی، در زمینه‌ی فعالیت‌های گوناگون علمی، تحقیقی کارهایی می‌کند که خودش را جزو ده کشور اول جهان قرار می‌دهد؛ این، شوخی نیست. این مسأله به ملت ما، به شما

برنامه‌ی اسلام این نیست هر کسی

فقط به فکر زندگی خود باشد

«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ» (۱) «امیرالمؤمنین (ع) از قول پیامبر (ص) می‌فرمایند: این ضابطه‌ی کلی برای نوع وظایف ما است که اینکه کسی سرش را پایین بیندازد و فقط به فکر خود و زندگی خود باشد و اهتمام او را مسائل شخص خود او تشکیل بدهد، این شیوه‌ی اسلام نیست، برنامه‌ی اسلام این نیست. وظیفه‌ی مسلمان است که اهتمام به امور مسلمانان داشته باشد، و اوضاع و اقوای از همه‌ی انواع اهتمام به امور مسلمانان این است که اهتمام به امر اسلامی و جامعه‌ی اسلامی داشته باشد... «وَمَنْ شَهِدَ رَجُلًا يُنَادِي بِالْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ»... حالا یک عده‌ای از این طرف شروع کردند یک جریان معارض و مضاد با این فکر را که نه آقا، به فکر خودت و زندگی خودت باش، گلیم خودت را از آب بکش؛ چه کار داری به دیگران؟ این درست نقطه‌ی مقابل آن تفکری است که اسلام در بین مسلمان‌ها ترویج می‌کند. ● ۸۴/۱۰/۲۸

(۱) نوادر روانی، ص ۲۱

کار تشکیلاتی

خصوصیت کار تشکیلاتی این است

که فرد باید خودش را در جمع حل کند

یک کار تشکیلاتی خصوصیتش این است که فرد باید خودش را در جمع حل کند، گم کند؛ که این گم کردن عین باز یافتن به نحو درست است. چیزی کم نمی‌شود از آدم، چیزی‌ها (به او) اضافه می‌شود. من مثال می‌زنم به آن لیوان آبی که داخل آن یک حبه‌ی قند را شما می‌اندازید. این یک حبه‌ی قند است، به قدر خودش شیرینی دارد. وقتی در (لیوان آب) انداختی، تمام است، یعنی یک دانه از این ذرات ریزی که زیر دندان می‌آمد و صدامی کرد و خودش را نشان می‌داد که هان! منم؛ یک دانه از اینها باقی نمی‌ماند، تمام حل می‌شود در آب. در آنجایی که قبل از آن یا بعد از آن، ده حبه قند دیگر هم حل شده. اما به نظر شما از این حبه‌ی قند یک ذره‌اش از بین رفت؟ هیچ چیز از آن از بین نرفته است. این قند یک ذره کم نشد، بلکه یک خورده به آن زیاد شد. یعنی آن تشخص و فردیت آن از بین رفته است. ● ۵۹/۳/۲